

ریشه عاشورا در سقیفه



بسیاری از حوادث، در ارزیابی بنیادین به ریشه‌های کهن‌تری منتهی می‌شود که گاهی فاصله زمانی بسیاری میان آن دو وجود دارد، گاهی علل و اسباب واسطه‌ای و میانی متعددی آن دو را به هم متصل می‌سازد. اگر شناخت عمیق و جریان شناسانه از حوادث باشد، هم بصیرت انسان را در تحلیل وقایع می‌افزاید، هم از تکرار برخی وقایع تلخ در دوران‌های بعدی جلوگیری می‌کند.

حادثه عاشورا یکی از اینگونه جریان‌ات است که ریشه آن به پنجاه سال قبل و به ماجرای غصب خلافت از خاندان پیامبر و بازیگری با حاکمیت دینی و خلافت اسلامی باز می‌گردد. آن جریان انحرافی که در مساله رهبری و خلافت پیش آمد، به تدریج جامعه را از سرچشمه زلال مکتب دور ساخت، دشمنان دیرین اسلام و پیامبر، کم کم قدرت یافتند و با استیلا بر سرنوشت مسلمین و حکومت، اهداف و نیات شوم خود را تحقق بخشیدند. اگر آن ستم نخستین نبود و گستاخی فاحش نسبت به پیامبر و خاندان گرامی او انجام نمی‌گرفت، کار امت پیامبر به آنجا نمی‌رسید که عزیزترین چهره امت اسلامی و یادگار معصوم پیامبر را در کربلا به شهادت برسانند و پس از آن قتل عام خونین، خاندان پیامبر را به اسارت ببرند.

لعنت‌هایی که در زیارتنامه‌ها به (نخستین ظالم در حق محمد و آل محمد) دیده می‌شود، و لعنت بر آنان که پایه و اساس ظلم بر اهل بیت را گذاشتند (1) و آنان که آن راه را ادامه دادند، همکاری کردند، سکوت کردند و ... همه اشاره به ریشه حادثه کربلا در سقیفه و جریان‌ات صدر اسلام است. عاشورا، در واقع تجلی نهایت دشمنی‌های امویان با اهل بیت عصمت و طهارت بود که با همدستی همه عوامل پیدا و پنهان شکل گرفت. اگر وصیت پیامبر درباره سرنوشت مسلمین پس از خودش عمل می‌شد و (ولایت) حاکمیت می‌یافت، آن بدعت‌ها، رجعت‌ها و شعله‌ور شدن آتش کینه و عداوت بازماندگان احزاب شرک و ضربه خوردگان از تیغ اسلام، مجال بروز نمی‌یافت.

پس شهادت امام و یارانش در عاشورا، برگی دیگر از آن ستم نخستین بود. به تعبیر عمیق و زیبای مرحوم آیه الله غروی اصفهانی: «... وقتی حمله تیر افکند، حمله نبود که تیر انداخت، بلکه تیرانداز واقعی کسی بود که برای او زمینه‌سازی کرده بود. تیری از جانب سقیفه آمد که کمان آن در دست خلیفه بود. آن تیر، گلولی آن کودک را ندرید، بلکه بر جگر دین و قلب پیامبر فرو نشست.» (2)

تیری هم که روز عاشورا بر قلب حسین بن علی (علیه السلام) نشست و خون (ثار الله) را بر زمین ریخت، در واقع در روز سقیفه رها شده بود و در عاشورا به هدف نشست!

این که بزید، پس از کشتن امام حسین (علیه السلام) مغرورانه می‌گفت کاش اجداد و نیاکانم بودند و شاهد این انتقام‌گیری بودند، نشانه دیگری است که کینه او با امام، تداوم همان کینه‌های ابوسفیان و مشرکان بنی امیه با پیامبر و خاندان او و دین خدا بود و این که (ابن زیاد) در کوفه به سر مبارک سیدالشهدا جسارت می‌کرد و با چوبی که در دست داشت بر لبهای او می‌زد و می‌گفت: «بِیَوْمٍ یَّوْمٍ بَدْرٍ»، (3) - این روز در مقابل روز جنگ بدر - باز هم نشان دهنده ریشه داشتن کربلا در سقیفه است. جریان شناسی تاریخی، به حوادث، معنای دیگری می‌بخشد و بدون چنین شناختی، گاهی نمی‌توان از قضایای تاریخی تحلیل درستی ارائه کرد.

مرحوم تیر تبریزی در پیوند این دو حادثه با هم، گفته است:

کانکه طرح بیعت شورا فکند خود همانجا طرح عاشورا فکند

چرخ در یثرب رها کرد از کمان تیر، کاندر نینوا شد بر نشان (4)

امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا در خطبه دومی که با کوفیان سخن می‌گفت، از آنان با این القاب و اوصاف یاد فرمود:

«مرگ بر شما ای بردگان امت، ای بازماندگان پراکنده احزاب، ای واگذارندگان کتاب خدا، ای تحریف‌گران دین، ای گروه تباهی و گناه، ای دمیده شدگان شیطان، ای خاموش کنندگان سنت‌ها! آیا از دین طاغوت‌ها حمایت کرده، ما را خوار می‌سازید؟ آری به خدا سوگند! این نیرنگی کهن در شماست که ریشه‌هایتان بر همین استوار شده و شاخ و برگ‌هایتان بر آن روییده است و شما پلیدترین میوه این خارستانید و لقمه غاصبان ...» (5)

در این بیان نیز، حضرت، آنان را پس مانده‌های همان قبایل و احزاب جاهلی و معاند می‌داند و میوه تلخ درخت دشمنی بنی امیه با آیین خدا می‌شمارد. این نیز نوعی نگارش جریان شناسانه به شرکت کنندگان در فاجعه تلخ عاشورا است، از چشم امام حسین (علیه السلام). شناخت ریشه‌های هر حادثه و زمینه‌های قبلی آن، از پیام‌های دیگر عاشورا است.

پی‌نوشت‌ها:

1- همچون زیارت عاشورا و زیارت‌های دیگر امام حسین (علیه السلام).

2- فَمَارَمَاهُ إِذْ رَمَاهُ حَرْمَلَهُ وَ إِنَّمَا رَمَاهُ مِنْ مَهْدٍ لَهُ
سَهْمٌ أَتَى مِنْ جَانِبِ السَّقِيفِ وَ قَوْسُهُ عَلَى يَدِ الْخَلِيفَةِ
وَ مَا أَصَابَ سَهْمُهُ نَحْرَ الصَّبِيِّ بَلْ كَبَدَ الدِّينَ وَ مُهَجَّةَ النَّبِيِّ (الانوار القدسيه، ص 99) .

3- بحارالانوار، ج 45، ص 154.

4- ديوان آتشکده، نیر تیریزی، ص 59.

5- مقتل الحسين، مقرّم، ص 287.

.....

منبع: کتاب پیامهای عاشورا، جواد محدثی .

خبرگزاری فارس